

اثربخشی آموزش هوش معنوی بر بحران هویت نوجوانان دختر مناطق محروم شهر مشهد (منطقه کال زرکش)

سیده زهرا قائمی^۱، محدثه خطاط^۲

چکیده

معنویت، از مهم‌ترین نیازهای درونی افراد و متضمن تلاش آدمی برای معنادادن به زندگی و پاسخ به چراهای اساسی و بنیادی زندگی است. یکی از مسائل مهم در این زمینه پرداختن به سازه هوش معنوی است که با پاسخ به این سوالات اساسی و روشن کردن ارزش و معنای زندگی و جایگاه هر فرد در زندگانی خودش تأثیر قابل توجهی بر غلبه بر بحران هویت و رهایی از سردرگمی‌های دوران نوجوانی دارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان اثربخشی آموزش هوش معنوی بر بحران هویت دانش‌آموزان دختر مناطق محروم مشهد است. این پژوهش با رویکردی کمی و روش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل به بررسی تأثیر آموزش هوش معنوی بر بحران هویت نوجوانان دختر در مناطق محروم پرداخته است. جامعه آماری کلیه نوجوانان دختر در یکی از مناطق محروم شهر مشهد و نمونه پژوهش ۶۰ نفر از دانش‌آموزان دختر در منطقه کال زرکش بود که به صورت تصادفی انتخاب گردید و افراد در گروه‌های آزمایش و کنترل جایگزاری شدند و مورد آزمون قرار گرفتند. برای گردآوری اطلاعات پرسشنامه بحران هویت احمدی (۱۳۷۶) مورد استفاده قرار گرفت که پایایی و روایی آن نیز تأیید شد. به منظور پاسخگویی به فرضیه پژوهش از تحلیل کواریانس تک متغیره استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که میزان تفاوت نمرات گروه آزمایش و کنترل با اندازه تأثیر آموزش هوش معنوی نیز ۰/۵۰۶ است؛ بدین معنی که ۵۰ درصد واریانس نمرات کل باقی‌مانده، متأثر از آموزش هوش معنوی می‌باشد. همچنین، مقایسه میانگین‌های نشان می‌دهد که میانگین بحران هویت دانش‌آموزان در گروه آزمایش و کنترل به ترتیب ۳۷/۹۶ و ۴۷/۱۶ می‌باشد که می‌توان نتیجه گرفت آموزش هوش معنوی باعث کاهش بحران هویت دانش‌آموزان دختر کال زرکش می‌شود. با توجه به تفاوت بین نمرات گروه آزمایش و کنترل نتایج نشان داد که بحران هویت متأثر از آموزش هوش معنوی است و آموزش‌های هوش معنوی باعث کاهش میزان بحران هویت می‌شود.

واژگان کلیدی: بحران هویت، هوش معنوی، نوجوانی، هویت-یابی، مناطق محروم، نیمه آزمایشی.

^۱ دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه شهید مطهری مشهد (واحد خواران). ZahraGhaemi1379@gmail.com

^۲ کاندیدای دکتری برنامه‌درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران. M.khattat@ut.ac.ir



مقدمه

نوجوانی مهم‌ترین و تاثیرگذارترین فصل کتاب زندگی هر فرد و دوره انتقال به بزرگسالی است. این دوران بهترین فرصت برای فعلیت بخشیدن به توانایی‌ها و استعدادها و تکوین شخصیت بهنجار است (بروجردی، زمردی و آقاجانی، ۱۴۰۰). در عین حال مهم‌ترین و سخت‌ترین چالش دوران زندگی هر فرد یعنی شکل‌گیری هویت در این مرحله اتفاق می‌افتد که برای نوجوانان همراه با اضطراب و سردرگمی است. طبق نظریه هشت مرحله‌ای اریکسون، مرحله نوجوانی مرحله بحران است که فرد در این دوره به انسجام و یکپارچگی یا آشفتگی و بحران هویت می‌رسد (نجفی، ۱۳۸۳). نوجوان در این دوره به دنبال هویت خود و هدفمند کردن زندگی و احساس مفید بودن است. درست سپری شدن این دوران ایجاد احساس هدفمند بودن زندگی در نوجوان و کسب هویت را به دنبال دارد (کشاوری و میرزایی، ۱۳۹۹). در مورد راه دستیابی به هویت امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «در شگفتم از کسی که در پی یافتن گمشده خویش می‌گردد، در حالی که خود را گم کرده و در پی یافتن خویش نیست» (غررالحکم، ۱۳۶۷).

در تئوری هویت، هویت مجموعه‌ای از معانی یا ویژگی‌هایی است که مشخص می‌کند که فرد چه کسی است و به عنوان عضوی از یک گروه چه نقشی دارد (ترتویک و استس، ۲۰۱۶). پاسخ‌های قانع‌کننده و شفاف به مسائلی چون جایگاه و منزلت خود، پیوندهایی که او را به خود و جهان اطراف متعلق و مرتبط می‌سازد، نگاه واقع‌بینانه و معقول به انتظاراتش از خود و دیگران، شناخت وظایف و مسئولیت‌هایش و هم‌چنین درک نسبت خود با گذشته، حال و آینده می‌تواند ضامن دستیابی او به هویتی با ثبات و منسجم باشد (مردانی نوکنده، ۱۳۹۵). گاهی در دوران نوجوانی فرایند دستیابی نوجوان به هویت به دلیل تغییرات شدید روانشناختی، تجارب نادرست دوران کودکی و یا شرایط نامساعد محیطی، با مشکلات و چالش‌های جدی مواجه می‌شود و فرد را دچار بحران می‌کند. این بحران که بحران هویت نام دارد سازگاری شخصی



فرد با واقعیت را در معرض چالش و خطر جدی قرار می‌دهد (احمدی، امیری و ادیبی منش، ۱۴۰۲). بحران هویت به معنی از هم‌گسیختگی ساختی در یک من فردی یا اجتماعی و عدم توانایی فرد، در قبول نقشی است که جامعه از او انتظار دارد (حاج حسینی، ۱۳۸۱). شخصی که هویت مشخصی ندارد در خلال زندگی با مشکلات فراوانی رو به رو می‌شود. چنین شخصی ممکن است دچار سردرگمی و آشفتگی برای پذیرش نقش‌ها باشد و قادر به تصمیم‌گیری نیست (مسعودیان، ۱۳۹۳). هم‌چنین مسئولیت‌پذیری و تعهد خود را نسبت به سرنوشت جامعه از دست می‌دهد و در نتیجه انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و بحران‌های اساسی و مهمی از جمله بحران هویت دامن‌گیر جامعه می‌شود؛ از این رو شناخت عوامل به وجود آورنده بحران هویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (اعتمادی و جعفری هرنندی، ۱۴۰۱).

در منابع مختلف عوامل تأثیرگذار زیادی در شکل‌گیری این بحران ذکر شده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها خواهیم پرداخت. قرآن کریم غفلت و خودفراموشی را از عوامل اصلی بحران هویت می‌داند. در این آیات غفلت سبب دور شدن فرد از هدف نهایی خلقت خویش و رسیدن به پوچی و بی‌هدفی می‌شود و خودفراموشی نیز پیامد خدافراموشی معرفی می‌گردد (قرآن، حشر، ۱۹). هم‌چنین روانشناسان، خانواده و آموزش و تربیت ناصحیح را از عوامل پدید آورنده بحران هویت دانسته‌اند. رفتار ناصحیح والدین یا بی‌مهری آن‌ها و شرایط نامناسب خانوادگی نوجوان را به تضاد درونی خواهد کشید و شکل‌گیری هویت را با مشکل مواجه می‌کند. با توجه به اینکه بخشی از شخصیت و هویت آدمی در محیط‌های آموزشی شکل می‌گیرد، اگر نهادهای آموزشی در قبال هویت‌دهی به نوجوانان نقش خود را به درستی ایفا نکنند، احساس حقارت، وابستگی، بی‌هویتی، و خود باختگی در نوجوانان را در پی خواهد داشت (اعتمادی و جعفری هرنندی، ۱۴۰۱). نظر به اهمیت این دو عامل در شکل‌گیری بحران هویت و با توجه به این موضوع که در مناطق محروم و حاشیه شهرها نهاد خانواده با آسیب‌های زیادی مواجه است و تعلیم و تربیت در مدارس این نواحی از شرایط مطلوبی برخوردار نیست؛ به نظر می‌رسد بحران هویت در این مناطق مشکل عمده و اساسی در بین نوجوانان باشد.

برخی دیگر فقر معنوی را نیز تأثیرگذار می‌دانند، آنان معتقدند که بسیاری از ناهنجاری‌ها در جامعه و بحران‌های فردی و اجتماعی ریشه در فقدان نظریات بنیادی مذهبی در رابطه با هستی و انسان و یا عدم اعتقاد به مبدأ و معاد دارد (قدس، ۱۳۸۰). تأثیرگذاری و جایگاه دین و معنویت در هویت بخشی به انسان توسط اندیشمندان مختلفی تبیین شده است. در این راستا اریکسون، دین را قوی‌ترین و کهن‌ترین نهادی می‌داند که باعث ظهور و بروز اطمینان و تعهد به یک جهان‌بینی می‌شود که پایبندی برای شناخت و پرورش



هویت اساسی است (نجفی و همکاران، ۱۴۰۰). محققان معتقدند در هنگام رویارویی با بحران‌های مختلف، معنویت و دین برای انسان آرامش‌بخش است و افراد با استفاده از راهبردهای معنوی که احساس هدفمندی و کنترل شخصی را به دنبال دارد، قادر به مدیریت کردن بحران و گذر از آن می‌شوند (وطن پرست و همکاران، ۱۳۹۴). وبستر نیز معتقد است که هویت باید به‌عنوان ماهیت اساسی معنوی درک شود و لازم است برای حل بحران هویت از معنویت کمک گرفت (وبستر، ۲۰۱۰). ایمونز معتقد است معنویت از این جهت که بر افزایش توانایی حل مسئله در زندگی افراد تاثیر می‌گذارد و پیش‌بینی‌کننده عملکرد و سازگاری فرد است می‌تواند نوعی از هوش تلقی شود (حاتمی و عارف نظری، ۱۴۰۱).

هوش معنوی که بر خلاف هوش منطقی و عاطفی به انسان اختصاص دارد (قاسمی، ۱۴۰۱)، برای اولین بار در سال ۱۹۸۳ توسط گاردنر با عنوان هوش وجودی مطرح شد. سال‌ها بعد استیونز و ایمونز نیز مفصلاً به این موضوع پرداختند (هوشیاری و علی‌پور، ۱۳۹۹) (حاجی پور، ۱۴۰۲). عقیده ایمونز بر این است که هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی در راستای تقویت توانایی حل مسئله در زندگی روزمره و فرایند دستیابی به اهداف می‌باشد (آرام‌فر و همکاران، ۱۴۰۱؛ مولایی و جهانیان، ۱۴۰۱). صاحب نظران دیگر نیز تعاریف مختلفی برای این نوع از هوش بر شمرده‌اند که در ادامه به طور مختصر بیان شده است. هوش معنوی یکی از بنیادی‌ترین هوش‌های بشریت محسوب می‌شود که به پیدا کردن معنای زندگی، ارزش، هدف و به کارگیری ارزش‌های معنوی برای بهبود کارکرد روزمره افراد گفته می‌شود (محمودی نسب، سراوانی و ضرغام حاجبی، ۱۴۰۰) هم‌چنین به توانمندی‌هایی اشاره دارد که به منابع معنوی متصل است (بلوچ، ۱۴۰۲). مک‌مالن نیز در تعریفی کلی و مجمل هوش معنوی را توانایی کاربردی کردن دین در زندگی می‌داند (مک‌مالن، ۲۰۰۳). طبق عقیده برخی از محققان، هوش معنوی توانایی درک پرسش‌های وجودی و بنیادین درباره معنای زندگی را در بر می‌گیرد (وگان، ۲۰۰۲؛ نازل، ۲۰۰۴؛ ولمن؛ و مارشال، ۲۰۰۰). طبق این تعاریف فردی که از هوش معنوی بالاتر و رشدیافته‌تری برخوردار باشد با استمداد از معنویت، به آسانی قادر خواهد بود در رویارویی با مشکلات و بحران‌های مختلف زندگی درست عمل کند. (رشید فرخیان، سلاجقه و توکلی، ۱۴۰۲). هم‌چنین هوش معنوی با ایجاد نوعی جهان‌بینی معنوی برای زندگی فرد معنا و هدفی مشخص می‌کند که تمام ابعاد هویت وی را به سوی مقصدی متعالی هدایت می‌کند و جهت می‌دهد (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۵). هم‌چنین هوش معنوی از طریق معنادهی، ارزش بخشیدن و هدف دادن به زندگی افراد به تقویت امید به زندگی، غلبه بر مشکلات و افزایش تاب‌آوری

افراد کمک می‌کند (چانگ و همکاران، ۲۰۱۹) که این مسأله‌ای مهم و تاثیرگذار در تاب‌آوری و غلبه بر مشکلات در مناطق محروم حاشیه شهرها به شمار می‌رود.

ویگلزورث معتقد است هوش معنوی اکتسابی است و با تمرین پرورش می‌یابد (اعتمادی، جعفری هرندی، ۱۴۰۱). وی برای هوش معنوی چهار بعد و مؤلفه اصلی را در نظر می‌گیرد که هر کدام از آنها مهارت‌ها و مضامین مختلفی را شامل می‌شود. دیدگاه وی به چهار بعد خودآگاهی، آگاهی جهانی، تسلط بر خود و تسلط اجتماعی اشاره می‌کند که این چهار بعد موضوعاتی از قبیل معنا، ارزش، هدف، جهان‌بینی، مأمورت و رسالت، درک زمان، آگاهی درونی نسبت به خویشتن برتر، رشد معنوی را شامل می‌شود (ویگلزورث، ۲۰۱۲). از یافته‌های الکینز (۲۰۰۴) و فریدمن (۲۰۰۲) نیز می‌توان ابعادی چون درک معنای زندگی، ارزش و تقدس زندگی، داشتن چشم انداز برای جهان، آگاهی و هوشیاری، هدفمندی و فراتر رفتن از خود را برداشت کرد (بلوچ، ۱۴۰۱). باورها، جهان‌بینی و ارزش‌های دینی زمینه‌ای ایدئولوژیک را فراهم می‌کنند که در آن یک جوان می‌تواند حس معنا، نظم و مکان را در جهان ایجاد کند که برای شکل‌گیری هویت حیاتی است. ادیان می‌توانند حس عمیقی از ارتباط را ارائه دهند که پیامدهای زیادی بر روی خودپنداره افراد دارد (کینگ، ۲۰۱۹). با توجه مطالب گفته شده از آنجایی که هم در هوش معنوی و هم در هویت‌یابی از سؤالات اساسی و بنیادی انسان سخن به میان می‌آید از این رو بالا بردن و ارتقای هوش معنوی می‌تواند بر حل بحران هویت کارساز باشد.

پژوهش‌های بسیاری رابطه معناداری را بین هوش معنوی و بحران هویت گزارش کرده‌اند. دهشیری، وطن‌پرست و شهسوارزاده (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین دینداری و معنویت با بحران هویت رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. هم‌چنین در پژوهشی مشابه یافته‌ها حاکی از آن بود که با افزایش دینداری نمره بحران هویت کاهش می‌یابد (نجفی، احدی و دلاور، ۱۳۸۵). اسماعیلی (۱۳۹۳) و بخشایش (۱۳۹۲) دریافتند که باورهای اساسی مذهبی با بحران هویت رابطه منفی دارد در همین راستا پژوهشی دیگر نشان داد که افرادی که نمره‌های بالایی در باورهای مذهبی اساسی داشتند، در بحران هویت نمره‌های کمتری کسب کردند (رجایی، بیاضی و حبیبی پور، ۱۳۸۸). از سوی دیگر هویت دینی می‌تواند با ایجاد پیامدهای مثبتی از جمله احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورها، هدفمندی و جهت‌دهی فرد و جامعه در عرصه‌های مختلف فردی از جمله هویت و در عرصه‌های دیگر اعم از اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اثربخش باشد (اکبری، ۱۳۸۷). هوش معنوی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی هویت پایدار دارد چرا که بین مؤلفه‌های هوش معنوی با هویت فردی، رابطه‌ای مثبت وجود دارد (خسروی و



برجعی، ۱۳۹۵). اعتمادی و جعفری (۱۴۰۱) بر این باورند که آموزش هوش معنوی کاهش بحران هویت را به دنبال دارد. آموزه‌های ملی و مذهبی نیز بر کسب هویت و هموار شدن مسیر هویت‌یابی تاثیر مثبتی دارد (جمالی زرقانی، ۱۳۹۲). وبستر (۲۰۰۵) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که معنویت می‌تواند هویت فردی را تقویت کند. طبق یافته‌های کینگ امور معنوی حس عمیقی از ارتباط به انسان می‌دهد که این باعث رشد هویت فردی و خودپنداره فرد می‌شود (کینگ، ۲۰۱۹). بارتون (۲۰۰۵) کشف معنا برای زندگی که از ابعاد هوش معنوی به شمار می‌رود را از اصلی‌ترین عوامل پیشگیری از بحران‌های هویتی معرفی می‌کند.

با توجه به پیشینه تحقیقات انجام شده در زمینه بحران هویت می‌توان آموزش مهارت‌های هوش معنوی را از اصلی‌ترین راه‌حلهایی دانست که با پاسخ به سؤالات بنیادی وی درمورد جهان هستی، معنادگی و ایجاد هدف‌های متعالی، روند دستیابی به هویت را در نوجوان تسهیل می‌کند و مانع از گرفتاری نوجوان در بحران هویت می‌شود. همچنین طبق بررسی‌های انجام شده بیشتر پژوهش‌هایی که این دو متغیر را مورد توجه قرار دادند از نوع همبستگی بوده است و آموزش مهارت هوش معنوی به خصوص در مناطق محروم مورد غفلت واقع شده است. پژوهش حاضر به دنبال این است که با آموزش مهارت هوش معنوی به صورت کاربردی و بر اساس باورهای اسلامی در مناطق محروم تاثیر آن را بر بحران هویت نوجوانان این مناطق مورد سنجش قرار دهد. ما در این پژوهش در پی بررسی این فرضیه‌ایم که تقویت مهارت‌های هوش معنوی تأثیری در میزان بحران هویت نوجوانان دارد انتظار می‌رود که با افزایش مهارت‌های هوش معنوی در دانش‌آموزان مناطق محروم میزان بحران هویت در این افراد کاهش پیدا کند.

روش

در پژوهش حاضر، با رویکردی کمی و روش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل به بررسی تأثیر آموزش هوش معنوی بر بحران هویت نوجوانان دختر در مناطق محروم پرداخته است. بدین صورت یک گروه مورد آموزش مهارت‌های هوش معنوی قرار گرفتند و گروه کنترل این آموزش را دریافت نکردند. جامعه آماری کلیه نوجوانان دختر در یکی از مناطق محروم شهر مشهد بود که پس از تعیین حجم نمونه از طریق فرمول نمونه‌گیری کوکران نمونه‌ای ۶۰ نفره از دانش‌آموزان دختر یکی از

مناطق محروم شهر مشهد در کال زرکش به صورت تصادفی انتخاب گردید. نحوه محاسبه فرمول نمونه گیری کوکران در زیر ارائه شده است:

$$n_0 = \frac{NZ\alpha_{\gamma}S^2}{Nd^2 + Z\alpha_{\gamma}S^2} = \frac{200 \times (1.96)^2 \times 0.612}{200 \times 0.1^2 + (1.96)^2 \times 0.612} = 59/54 \cong 60$$

بدین ترتیب ۳۰ نفر از افراد نمونه در گروه آزمایش و ۳۰ نفر دیگر در گروه گواه جای-گذاری شدند. آزمودنی‌ها در هر دو گروه قبل و بعد از انجام مداخله آموزشی مورد آزمون قرار گرفتند. مشخصات این آزمودنی‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱ - مشخصات آزمودنی‌ها

گروه آزمایش		گروه کنترل		سطوح	متغیرها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۲۰	۶	۲۰	۶	۱۲ سال	سن
۲۰	۶	۲۰	۶	۱۳ سال	
۲۳.۳	۷	۱۳.۳	۴	۱۴ سال	
۳.۳	۱	۱۰	۳	۱۵ سال	
۱۶.۶	۵	۶.۶	۲	۱۶ سال	
۱۰	۳	۲۳.۳	۷	۱۷ سال	
۶.۶	۲	۶.۶	۲	۱۸ سال	
۲۰	۶	۲۰	۶	هفتم	
۲۰	۶	۲۰	۶	هشتم	
۲۳.۳	۷	۱۳.۳	۴	نهم	
۳.۳	۱	۱۰	۳	دهم	
۱۶.۶	۵	۶.۶	۲	یازدهم	
۱۶.۶	۵	۳۰	۹	دوازدهم	
۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۳۰	کل	

مداخله آموزشی در ۱۶ جلسه‌ی ۶۰ دقیقه‌ای برگزار شد. برای اجرای آموزش هوش معنوی پس از بررسی منابع مختلف از بسته آموزشی خودساخته‌ای استفاده شد که از آموزه‌های اسلامی، بسته آموزشی کینگ (۲۰۰۸)، و نظرات بوئل^۳ (۲۰۰۴) و ویگلزورث (۲۰۱۲) اقتباس شده بود. محتوای این بسته آموزشی



توسط دو تن از متخصصین مورد تأیید قرار گرفت. برای گردآوری اطلاعات پرسشنامه بحران هویت احمدی (۱۳۷۶) مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه در طی دو دوره، قبل از آموزش‌های هوش معنوی و پس از آموزش‌های هوش معنوی برای گردآوری داده‌ها توزیع شد. پرسشنامه بحران هویت دارای ۴۰ ماده است که سطح بحران هویت در نوجوانان را مبتنی بر ۱۰ مؤلفه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در تدوین این پرسشنامه ابعاد مختلف تشخیصی بحران هویت بدین صورت دسته‌بندی شده است: ۱. اختلال در تعیین اهداف بلند مدت ۲. شک و تردید در انتخاب شغل آینده ۳. فقدان الگوی مناسب برای رفاقت ۴. نامتناسب بودن رفتار جنسی ۵. اختلال در شناخت و معرفت مذهبی ۶. بی توجهی به ارزش‌های اخلاقی ۷. نادیده گرفتن تعهد گروهی ۸. دید منفی نسبت به خود ۹. فقدان روحیه تلاش و ابتکار ۱۰. ایجاد مشکل در مدیریت و تنظیم وقت. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه ۴۰ ماده‌ای به صورتی است که به هر سؤال نمره صفر تا ۳ تعلق می‌گیرد. نمره صفر نشان دهنده نبود مشکل و نمره ۳ نشان دهنده درجات شدید بحران هویت در فرد است. بیش‌ترین نمره در این آزمون برابر با ۹۰ و کم‌ترین آن صفر است. هر مقدار که نمره‌ی آزمودنی به عدد ۹۰ نزدیک‌تر باشد، می‌توان این‌طور برداشت کرد که فرد در کسب هویت، دچار بحران بیشتری می‌باشد.

در تحقیق حاضر، به منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ها، تعداد ۲۰ عدد پرسشنامه بین جامعه آماری توزیع شد و مقدار آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS، برای پرسشنامه محاسبه گردید. میزان ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده برای متغیرهای حاصل از پرسشنامه بالاتر از 0.7 می‌باشد، که این نشانه پایایی بالای سوالات پرسشنامه می‌باشد. در تحقیقات مختلف نیز (محسنی، ۱۳۷۸؛ اکبری و قلعه‌نویی، ۱۳۹۵) ضریب اعتبار این آزمون از ۷۶ تا ۹۵ درصد گزارش شده است که ضریب اعتبار قابل قبولی می‌باشد. برای سنجش روایی این پرسشنامه نیز از روایی صوری و محتوایی استفاده شد و طی آن از نظر متخصصین در این زمینه بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در روش آمار توصیفی به منظور توصیف داده‌های مذکور شاخص‌های میانگین، انحراف معیار، مینیمم، ماکسیمم، فراوانی و درصد مورد بررسی قرار گرفت و در سطح استنباطی به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و برای بررسی فرضیه‌ها روش پیش‌آزمون-پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل (Ancova) مورد استفاده قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل و به کارگیری آزمون‌های

فوق از نرم افزار SPSS استفاده شده است. درجدول زیر شاخص‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار برای هر یک از متغیرهای پژوهش مشخص شده است.

جدول ۲- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

پس آزمون		پیش آزمون		گروه	متغیر
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۹/۹۸	۳۹/۸۰	۱۱/۲۹	۴۹/۲۳	آزمایش	بحران
۱۴/۳۳	۴۵/۳۳	۱۳/۸۱	۴۵/۲۰	کنترل	هویت

نتایج درج شده در جدول ۲، میانگین پیش آزمون و پس آزمون متغیر بحران هویت را در گروه آزمایش و گروه کنترل نشان می‌دهد. فرضیه اصلی در این پژوهش این است که آموزش هوش معنوی سبب کاهش بحران هویت در دانش آموزان دختر یکی از مناطق محروم شهر مشهد در کال زرکش می‌شود. به منظور پاسخگویی به فرضیه پژوهش از تحلیل کواریانس تک متغیره استفاده شده و قبل از ارائه نتایج این تحلیل در ابتدا به بررسی نرمال بودن توزیع متغیر و همگنی واریانس‌ها پرداخته شده است. بدین صورت که ابتدا نرمال بودن توزیع متغیرها از طریق آزمون آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شد و جهت بررسی همگنی واریانس‌ها از آزمون برابری خطای واریانس لوین^۴ استفاده شده است. نتایج بترتیب در جدول‌های ۳، ۴ و ۵ آورده شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون کالموگروف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیر بحران هویت

گروه	Z کالموگروف-اسمیرنوف	درجات آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۰/۰۸۵	۳۰	۰/۲۰۰
کنترل	۰/۱۰۸	۳۰	۰/۲۰۰

جدول ۴- نتایج آزمون لوین جهت بررسی برابری واریانس‌های دو گروه درمتغیر بحران هویت

مقدار F	df(۱)	df(۲)	سطح معناداری
۲/۰۱۵	۱	۵۸	۰/۱۶۱



نتایج درج شده در جدول ۳ و ۴ نشان می‌دهد که توزیع بحران هویت در هر دو گروه نرمال است ($p > 0/05$) و فرض تساوی واریانس‌ها در جامعه تحقق یافته است ($F=2/015$, $P=0/161$).

جدول ۵- نتایج تحلیل کواریانس تک متغیره تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل در متغیر بحران

توان آزمون	مجذور اتای سهمی	سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	منبع تغییرات
۱	۰/۸۶۳	۰/۰۰۰	۳۶۰/۰۲۹	۷۶۳۶/۴۵۸	پیش آزمون
۱	۰/۵۰۶	۰/۰۰۰	۵۸/۳۳۱	۱۲۳۷/۲۳۲	عضویت گروهی

هویت

جدول ۶- میانگین اصلاح شده (میانگین پس از حذف اثر پیش آزمون) متغیر در گروه آزمایش و کنترل

انحراف معیار	میانگین	گروه
۰/۸۴	۳۷/۹۶	آزمایش
۰/۸۴	۴۷/۱۶	کنترل

نتایج درج شده در جدول ۵ نشان می‌دهد که نمرات پیش آزمون تفاوت معناداری با نمرات پس آزمون دارد ($p=0/000$, $F=58/331$). بدین معنی که تفاوت ایجاد شده در نمرات بحران هویت دانش‌آموزانی که در گروه آزمایش قرار گرفته بودند، قبل و بعد از برگزاری آموزش هوش معنوی، با تفاوت ایجاد شده در نمرات پیش آزمون و پس آزمون بحران هویت دانش‌آموزانی که آموزش هوش معنوی را دریافت نکرده اند معنادار است. بر این اساس فرضیه اصلی این پژوهش تأیید می‌شود. بدین معنی که آموزش هوش معنوی بر بحران هویت دانش‌آموزان دختر یکی از مناطق محروم شهر مشهد تأثیر معنادار دارد. میزان تفاوت نمرات گروه آزمایش و کنترل با اندازه تأثیر آموزش هوش معنوی نیز ۰/۵۰۶ است؛ بدین معنی که ۵۰ درصد واریانس نمرات کل باقی مانده، متأثر از آموزش هوش معنوی می‌باشد. میزان توان آماری نیز ۱ است؛ بدین معنی که میزان دقت این تحلیل در کشف تفاوت‌های معنادار در سطح عالی قرار دارد و حجم نمونه برای این آزمون کافی است. مقایسه میانگین‌های اصلاح شده نیز نشان می‌دهد که میانگین بحران هویت دانش‌آموزان در گروه آزمایش و کنترل به ترتیب ۳۷/۹۶ و ۴۷/۱۶ می‌باشد که می‌توان نتیجه گرفت آموزش



هوش معنوی باعث کاهش بحران هویت دانش آموزان دختر کال زرکش می‌شود. بنابراین این فرضیه که تقویت مهارت‌های هوش معنوی بر میزان بحران هویت نوجوانان تأثیر دارد تأیید می‌شود.

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش هوش معنوی بر بحران هویت دانش‌آموزان دختر مناطق محروم مشهد انجام شد که بدین منظور از روش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل استفاده شد. نتایج و یافته‌ها نشان داد که آموزش هوش معنوی با پاسخ به سؤالات بنیادی در مورد جهان هستی، معنادهی و ایجاد هدف‌های متعالی بر میزان بحران هویت دانش‌آموزان دختر منطقه محروم کال زرکش مشهد تأثیر داشته و باعث کاهش میزان این بحران شده است. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش‌های دهشیری، وطن‌پرست و شهسوارزاده (۱۳۹۴)، نجفی، احدی و دلاور (۱۳۸۵)، اسماعیلی (۱۳۹۳)، بخشایش (۱۳۹۲)، رجایی و همکاران (۱۳۸۸)، اکبری، (۱۳۸۷)، خسروی و برجلی، (۱۳۹۵)، اعتمادی و جعفری (۱۴۰۱)، جمالی زرقانی، (۱۳۹۲)، وبستر (۲۰۰۵)، کینگ، (۲۰۱۹)، بارتون (۲۰۰۵)، مرعشیان و صفرزاده (۱۳۹۶)، کروگر (۲۰۱۳) همسویی دارد.

در تبیین نتیجه این پژوهش بدست آمد که هویت عامل بسیار مهمی در دستیابی افراد به چشم‌اندازی عالی از زندگی، رسیدن به معنا، هدفمندی و درک ارزش‌والای وجود خویشتن است. عاملی که فرآیند شکل‌گیری آن نشان از قدرت اختیار و اراده انسان است که او را از سایر مخلوقات خداوند متمایز می‌کند و او را در راه رسیدن به کمال حقیقی خود یاری می‌دهد. در این مسیر موانع بسیاری نیل به این هدف را با دشواری مواجه می‌کند و فرد دچار سردرگمی و بحران هویت می‌شود. از جمله این موانع می‌توان به غفلت، دنیاگرایی، عدم خودشناسی و دوری از معنویت اشاره کرد. در بحران هویت فرد دچار شکی بزرگ در درون خود می‌شود که نمی‌داند برای چه وجود دارد، هدف از خلقتش چیست و قرار است به کجا برسد. در میان این بحران، نوجوان سعی می‌کند برای یافتن شخصیت و هویت خود اقدام کند و چون تجربه کافی را ندارد نمی‌داند چه شیوه و معیاری برای کشف هویت درست است و چه معیاری آسیب‌زا است. عدم مدیریت این بحران به شیوه‌ای صحیح می‌تواند منجر به ایجاد یک هویت نادرست و خلاف اخلاقیات و هنجارها شود. به همین علت است که معنویت و باورهای مذهبی نقشی راهگشا دارد و به شکل‌گیری هویت در نوجوانان کمک می‌کند چرا که باورهای دینی معیارهای درست فکری، اخلاقی و رفتاری را درون خود جای داده است و بسیاری از سؤالات اساسی انسان راجع به خود، جهان پیرامون، مبدأ و مقصد ما را پاسخ می‌دهد.



اریکسون معتقد است اگر نوجوانان نتوانند ارزش های پایدار و مثبتی در خانواده و فرهنگ خود پیدا کنند به درهم ریختگی عقیدتی دچار می شوند و هویت آنها از هم می پاشد. باورهای دینی و معنویت است که به زندگی انسان معنا می دهد چرا که نگرش دین و مذهب این است که هیچ گاه انسان را بیهوده نمی پندارد (اعتمادی، ۱۴۰۱). مارکستروم^۵ و آدامز^۶ نیز بر این باورند که دین یک عامل اجتماعی قوی است که با پاسخ به سوالات نوجوانان نقش به سزایی در هویت سازی دارد. همچنین مک کینی نتیجه گرفتند بین تعهد به مذهب و هویت ارتباط معنادار وجود دارد و دریافتند که اعمال عبادی تأثیر مهمی در حالات روانشناختی و هویت نوجوانان دارد. ایمونز^۷ معتقد است هوش معنوی مانند سایر انواع هوش قابل پرورش است. سازگاری با وقایع زندگی، تقویت خودشناسی، افزایش آگاهی و هوشیاری، حساسیت زیاد به موضوعات معنوی و تعالی، جست و جوی معنای زندگی و گسترش جهان بینی از عوامل ارتقای هوش معنوی به شمار می روند (نازل، ۲۰۰۴؛ وگان، ۲۰۰۳).

در این پژوهش بر اساس دیدگاه آمرام^۸، پروتکل آموزش هوش معنوی به صورتی تدوین شده است که به کارگیری ارزش های معنوی بیشترین کارکرد را در عملکرد روزانه و سلامت روحی نوجوانان داشته باشد. محدودیت های این پژوهش شامل کوچک بودن نمونه، انجام آزمون فقط بر روی دختران و یک منطقه خاص که قابلیت تعمیم آن بر سایر گروه ها را محدود می کند، می باشد.

از آن جایی که رسانه های جمعی، خانواده و محیط تحصیلی نوجوانان بر هوش معنوی و شکل گیری هویت آنان تأثیرگذار است پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی بیشتر بدان پرداخته شود. همچنین انتظار می رود معلمان و مشاوران مدارس با بهره بردن از آموزش مهارت های هوش معنوی در فوق برنامه ها از گسترش بحران هویت در سنین نوجوانی و جوانی و عاقب زیان بار آن پیشگیری کنند.



منابع

۱. احمدی، راضیه؛ امیری، حسن؛ ادیب‌منش، مرزبان. (۱۴۰۲)، اثربخشی آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه واقعیت‌درمانی بر بحران هویت دانش‌آموزان دختر متوسطه شهرستان اسلام‌آباد غرب. نشریه پویش در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان. شماره ۳۰، ص ۳۶-۱۹.
۲. آرام‌فر، بهنوش؛ حسینی، سعیده‌السادات؛ افشاری‌نیا، کریم؛ کاکابرایی، کیوان. (۱۴۰۱)، اثربخشی آموزش هوش معنوی بر مقابله با استرس و خودشکوفایی دختران نوجوان. تعلیم و تربیت. شماره ۱۵۰، ص ۱۵۸-۱۳۹.
۳. اسماعیلی، معصومه؛ نجار پوریان، سمانه. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه انسجام خانواده و باورهای مذهبی در بحران هویت نوجوانان. اولین کنگره ملی روانشناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده
۴. اکبری، بهمن (۱۳۸۷)، بحران هویت و هویت دینی، بیک نور- علوم انسانی، شماره ۶، ص ۲۱۹-۲۳۱.
۵. بنخشایش، علیرضا (۱۳۹۲)، رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴، ص ۳۵
۶. بلوچ، سعید؛ بلوچ، زهره (۱۴۰۱)، بررسی رابطه هوش معنوی در پیشرفت تربیت دینی دانش‌آموزان متوسطه دوم، مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی علوم تربیتی و آموزش و پرورش، شماره ۵۳، ص ۲۲۲-۲۰۷.



۷. بوئل، ریچارد؛ ترجمه نویدی مقدم و همکاران (۱۳۹۰)، سفر هوش معنوی، چاپ اول، تهران: بخشایش.

۸. حاتمی، مرضیه؛ عارف نظری، مسعود (۱۴۰۱)، پیش بینسطح خوش بینی بر اساس هوش معنوی و حمایت اجتماعی، ماهنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، شماره ۷، ص ۹۴۵ - ۹۲۹.

۹. حاجی پور، مریم (۱۴۰۲)، بررسی هوش معنوی و سلامت روان بین دانشجویان پسر و دختر دانشگاه فرهنگیان یزد، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۵۲، ص ۲۰ - ۱۱.

۱۰. دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۴)، بررسی رابطه دین داری و بحران هویت در بین دانش آموزان دبیرستانی شهرستان یزد. تعلیم و تربیت، شماره ۲۱، ص ۸۷-۹۸.

۱۱. رجایی، علیرضا؛ بیاضی، محمد حسین؛ حبیبی پور، حمید (۱۳۸۸)، باورهای مذهبی اساسی بحران هویت و سلامت عمومی نوجوانان، نشریه روانشناسی تحولی، شماره ۲۲، ص ۹۷.

۱۲. رشید فرخیان، علی؛ سلاجقه، سنجر؛ منطری توکلی، علیرضا (۱۴۰۲)، نقش هوش معنوی در مدیریت با تکیه بر آیات قرآن و روایات، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۵۳، ص ۱۶۱ - ۱۴۷.

۱۳. سرمد، زهره؛ حجازی، الهه؛ بازرگان، عباس (۱۴۰۲)، روش تحقیق در علوم رفتاری، چاپ ۴۶، تهران؛ آگاه.

۱۴. قاسمی، محمدمهدی (۱۴۰۱)، تعیین رابطه هوش معنوی و بهزیستی روانشناختی با کمک طلبی تحصیلی در دانش آموزان متوسطه، مجله علمی تخصصی روانشناسی و علوم تربیتی در هزاره سوم، دوره ۶، شماره ۲، ص ۲۱۹ - ۲۱۱.

۱۵. قدس، صهبا (۱۳۸۰)، دعا و نقش آن در بهبود فعالیت های روانی، ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند، شماره ۲۶۵، ص ۵۶ - ۴۶.

۱۶. کاروان بروجردی، کیانا؛ زمردی، سعیده؛ آقاجانی هشتچین (۱۴۰۰)، اثربخشی آموزش مدیریت خشم بر هوش هیجانی و هویت یابی نوجوانان، دو فصلنامه مطالعات و تازه های روانشناختی نوجوان و جوان، شماره ۱، ص ۱۰۶ - ۹۵.

۱۷. کشاورز، مصطفی؛ میرزایی، فاطمه (۱۳۹۹)، بلوغ و بحران هویت در نوجوانی و نقش آن در دوست یابی، فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران، شماره ۲۲، ص ۱۴۲ - ۱۳۲.



۱۸. محمدی سیف، معصومه (۱۳۹۸)، من کیستم؟ دوره هویت‌یابی نوجوانان با فاصله گرفتن از خانواده همراه است، پیوند، شماره ۴۷۲، ص ۱۷ - ۱۴.

۱۹. محمدیان، معصومه؛ حسین پور، رضا؛ فرهنگی، عبدالحسین (۱۳۹۹)، بررسی رابطه شفقت خود و هو معنوی با رضایت زناشویی دانشجویان متاهل دانشگاه آزد اسلامی واحد تهران شمال، روانشناسی و علوم رفتاری ایران، شماره ۲۲، ص ۸۴ - ۶۹.

۲۰. مردانی نوکنده، محمدحسین (۱۳۹۵)، چستی و ماهیت بحران هویت، پیوند، شماره ۴۴۱، ص ۴۲ - ۴۰.

۲۱. مسعودیان، پروین (۱۳۹۳)، جوانان و هویت‌یابی، چاپ دوم، تهران، راشا.

۲۲. مولایی، قاسم؛ جهانیان، رمضان (۱۴۰۱)، نقش هوش معنوی بر عملکرد مدیران مدارس، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۴۱، ص ۵۴ - ۳۹.

۲۳. نجفی، حسن؛ ملکی، حسن؛ سبحانی نژاد، مهدی؛ مصباح، علی (۱۴۰۰)، هویت دینی و پیش‌بایست‌های طراحی برنامه درسی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲، ص ۲۶ - ۳.

۲۴. نجفی، محمود (۱۳۸۳)، خانواده و هویت‌یابی نوجوانان، معلم، شماره ۱۸۷، ص ۳۰ - ۲۸.

۲۵. نجفی، محمود؛ احدی، حسن؛ و دلاور، علی (۱۳۸۵)، بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت، دانشور رفتار، شماره ۱۶، ص ۱۷-۲۶.

۲۶. هوشیاری، جعفر؛ علی‌پور، علی (۱۳۹۹)، نقش میانجی امید در رابطه بین هوش معنوی و اضطراب ناشی از بحران کرونا، پژوهش‌های روانشناسی اسلامی، شماره ۱، ص ۷۲ - ۵۹.

۲۷. ویگلزورت، سینی؛ ترجمه بلوچ، حمیدرضا (۱۳۹۶)، من برتر: ۲۱ مهارت هوش معنوی، چاپ اول. تهران: پندار تابان.

۱. Amram, J.Y. (۲۰۰۷). The Seven Dimensions of Spiritual Intelligence: An Ecumenical Grounded Theory. Paper Presented at the 115th Annual (August 2007) Conference of American Psychological Association, San Francisco, CA. Summary available on <http://www.yosiamram.net/papers/>

۲. Amram, J.Y. Dryer, D.C. (۲۰۰۷). The Development and Preliminary Validation of the Integrated Spiritual Intelligence scale (ISIS), Institute of Transpersonal Psychology, Palo Alto, CA.

۳. Bartone, P. T (۲۰۰۵); The need for positive meaning in military operations: Reflections on AbuGhraib, *Military Psychology*, Volume ۱۷, pp. ۳۱۵-۳۲۴



۴. Chang, Shu-Hsuan. Shu, Yu. Lin, Yi-Hsien. Wang, Chih-Lien (۲۰۱۹). "I Believe", "I Think", then "I Will"? Investigating the Mediator Role of Ethical Judgment between internet ethical self-efficacy and ethical behavioral intention. *Computers in human behaviors*, ۱۰۱, ۳۸۷ - ۳۹۳.
۵. Emmons, R. A. (۲۰۰۰), Is spirituality an intelligence? Motivation and the psychology of ultimate concern, *The international journal for the psychology of Religion*, ۱۰(۱):۳-۲۶.
۶. King, P. E. (۲۰۱۹). Religion and identity: The role of ideological, social, and spiritual contexts. In *Beyond the self* (pp. ۱۹۷-۲۰۴).
۷. Kroger, J (۲۰۱۳). *Identity styles: A theory of personality, shoe string press*, New York.
۸. Markstrom -Adams carol, Hofstra, Greta (۱۹۹۴) The ego - virtue of Fidelity: A case for study of Religion and identity Formation in adolescence. *Journal of Youth & adolescence*. Vol ۲۳ - Issue ۴- p ۴۵۳
۹. McKinney, J.P & McKinney, K.G. (۱۹۹۹) Prayer in the Lives of Late adolescents. *Journal of Adolescence*, Vol ۲۲. pp. ۲۷۹-۲۹۰.
۱۰. Nasel, D. D. (۲۰۰۴). *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: a consideration of traditional Christianity and new age/individualistic Spirituality*. Phd Thesis. Unpublished. The University of South Australia.
۱۱. Stets, Jan e. Trettevik, Ryan. (۲۰۱۶). Happiness and Identities, *Social Science Research*, ۵۸, ۱-۱۳
۱۲. Vaughan, F. (۲۰۰۳). What is spiritual intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, ۴۲(۲), ۱۶-۳۳.
۱۳. Webster, Scott (۲۰۱۰), Personal identity: moving beyond essence, *International Journal of Children's Spirituality*, ۱۰, ۵-۱۶